



۱۴

از قهوه تا چای ماچا و ماسالا

گردشگری، پلی میان ایران و ماچین



۱۶



۱۵

اطلاعات بیش از ۵۰۰ میلیون کاربر فیس بوک فاش شد

زندگی

سه‌شنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۰ :: شماره ۵۹۰۶



یادداشت

گلنار پهرامی
جهادگر

مشکلات مالی مشکلات فرهنگی

فهرست استان‌های محروم در کشور طولانی است؛ سیستان و بلوچستان، گلستان، هرمزگان و کهگیلویه و بویراحمد از استان‌هایی هستند که در صدر استان‌های محروم قرار دارند. در این بین اما اگر به فهرست تخصیص بودجه به استان‌ها در سال‌های اخیر نگاه شود، به نکته مهمی دست پیدا خواهیم کرد. حقیقت این است تخصیص بودجه سالانه می‌تواند نقش بسزایی در محرومیت‌زایی داشته باشد. به جز در بودجه ۱۴۰۰ که تا حدودی به استان‌های سیستان و بلوچستان و گلستان توجه شده‌است، در سال‌های گذشته استان‌های محروم، از بودجه سهم اندکی داشتند. با نگاه به اعداد و ارقام، متوجه خواهیم شد که تخصیص وام دولتی و توزیع منابع مالی، در بسیاری از استان‌ها ناعادلانه است. ناعادالتی اقتصادی، ناعادالتی فرهنگی و البته اجتماعی و بهداشتی را هم به همراه دارد. در برخی استان‌ها آموزشگاه یا ورزشگاه و سینما وجود ندارد؛ همان‌طور که بیمارستان و درمانگاه هم نیست. شاید گفته شود وجود درمانگاه و بیمارستان ضروری است اما سینما برای یک شهر می‌تواند ضروری نباشد. مساله اینجا است که نظام سلامت در محلی بیمارستان و درمانگاه می‌سازد که سودی برای او داشته باشد؛ در کلانشهری مانند تهران تا چشم کار می‌کند بیمارستان، درمانگاه و مطب وجود دارد اما در استانی مانند سیستان و بلوچستان یا کهگیلویه و بویراحمد، بیمارستان‌های خالی در انتظار حضور پزشکان عمومی هستند.

در کنار مساله نحوه تخصیص بودجه باید به رشد جمعیت هم توجه کرد. رشد جمعیت در استان‌های سیستان و بلوچستان و هرمزگان به نسبت دیگر استان‌های کشور بیشتر است، حال سؤال این است آیا به نسبت جمعیتی که در این استان‌ها زندگی می‌کنند، بودجه قابل قبولی برای تامین نیازهای اولیه آنها تخصیص داده می‌شود؟ با نگاه به بودجه سال‌های گذشته جواب روشن است. طبق داده‌های مرکز آمار کشور، نابرابری توزیع درآمد و تخصیص بودجه به بروز فقر و ایجاد شکاف طبقاتی بیشتر کمک می‌کند. با توجه به همین داده‌ها، در سال‌های اخیر استان‌های گلستان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان بیشترین نابرابری اقتصادی را شاهد بودند. نکته مهم دیگری که در استان‌های محروم وجود دارد، مشکلات فرهنگی است. تفاوت فرهنگی اتفاق بدی نیست، اما در برخی شهرها این مساله سبب شده برای بانوان مشکلاتی ایجاد شود.

درواقع برخی مسائل فرهنگی سبب شده زنان نتوانند درباره مشکلات خود کمبودهایی که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند صحبت کنند به همین دلیل این نیاز آنها به فراموشی سپرده می‌شود. این مساله می‌تواند، مشکلات بهداشتی و درمانی زیادی را برای آنها ایجاد کند.

عملکرد برخی مدیران برای پاک و امکانات بهداشتی در مناطق محروم کشور قابل دفاع نیست / منبع: ایرنا



در آستانه روز جهانی بهداشت
نیروهای جهادی از چارلی حل نشدن
مشکلات بهداشتی مناطق محروم کشور می‌گویند

گمشده‌ای به نام بهداشت



لیلا شوقی

جامعه

کیسه قرمز رنگ و خالی پفکی افتاده است روی تن آب. کمی آن طرف‌تر تکه لباسی چرک درآب موج می‌زند، درست چسبیده به تن لباس لاشه پرنده‌ای به چشم می‌خورد. در این بین پسر بچه‌ای سطل آبی را انداخته است درون رودخانه تا آب آشامیدنی خانواده‌اش را تامین کند، روی صورت پسر بچه یک زخم عمیق جا خوش کرده است، یک ضایعه پوستی قرمز و چرکین. روی صورت خندان همه بچه‌های روستاهای دور افتاده سیستان و بلوچستان پر از همین زخم‌های چرکین است. چهارشنبه پیش رو (یعنی ۱۸ فروردین) روز جهانی بهداشت است؛ به همین دلیل سراغ جهادگرانی رفته‌ایم که بارها به مناطق محروم سفر کرده‌اند و از نزدیک با شرایط بهداشتی این مناطق آشنا هستند. به نظر این جهادگران کمبود وسایل بهداشتی، اولین مساله‌ای است که در مناطق محروم به چشم می‌آید. آنها می‌گویند بسیاری از افرادی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند درک درستی از درمانگاه یا بیمارستان ندارند چرا که در طول عمرشان با هیچ پزشک متخصصی صحبت نکرده‌اند. به نظر جهادگران، نبود آگاهی مردم برای مطالبه نیازهایشان و بی‌توجهی مدیران دولتی به تامین نیازهای منطقه از عواملی است که باعث شده، محرومیت بهداشتی بیشتر در این مناطق ریشه بپواند.

امکانات زیر صفر

برای عزیزا... پژوهیده که یکی از جهادگران شهرستان دزفول است؛ بخشی از مشکلات مناطق محروم به امکاناتی که وجود ندارد، برمی‌گردد. او یک فهرست بلند بالا دارد از شهرستان‌های اطراف دزفول؛ از شهرستان‌هایی که جمعیت زیادی دارد. او از میانرود نام می‌برد، شهرستانی که بیش از ۱۰ هزار نفر جمعیت دارد اما تا به حال رنگ یک بیمارستان به خود ندیده است. شهرامام که جمعیت بیش از ۱۱ هزار نفری دارد هم شرایطش مانند میانرود است. پژوهیده می‌گوید هر دو شهر، نزدیک دزفول هستند و افراد برای درمان بیماری‌های خود باید به دزفول مراجعه کنند. شرایط برای روستاهای بخش سردشت که در منطقه کوهستانی واقع شدند، بدتر هم هست. اگر زن بارداری در یکی از دهستان‌ها بخواهد وضع حمل کند باید با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم کند؛ هیچ بیمارستانی وجود ندارد و عبور از راه کوهستانی هم سخت است. استفاده از الاغ یا بالگرد تنها راه حل رساندن مادر باردار به بیمارستان است؛ حال این که در این بخش بیش از ۷۰۰ هزار نفر زندگی می‌کنند. او می‌گوید مناطق محروم شهرستان دزفول از نظر جمعیتی وسعت زیادی دارند و از نظر فیزیکی توسعه پیدا کرده‌اند؛ موضوع اما این است که نیازهای درمانی و بهداشتی نادیده گرفته شده. او می‌گوید جمعیت شهرهای رویه و غیراصولی افزایش پیدا کرده‌است اما به نیازهای اولیه اهالی شهرها یعنی بهداشت توجه نشده‌است.

او درباره مشکل دیگر شهرشان صحبت می‌کند و از جانبازانی می‌گوید که از نظر بهداشتی در شرایط مناسبی به سر نمی‌برند. حال این که به گفته پژوهیده، در استان خوزستان و شهر دزفول تعداد جانبازان به نسبت شهرهای دیگر اندک است. او می‌گوید ریشه فراموشی نیازهای بهداشتی جامعه جانبازان، به بی‌توجهی مسؤولان برمی‌گردد. این که جانباز شیمیایی کیسول اکسیژن ندارد، از کمبود امکانات در استان خوزستان نشأت می‌گیرد. او می‌گوید، زمانی که امکانات اولیه

ثبت شده‌است که خانه‌شان را با سنگ، چوب و برگ درختان ساخته‌اند؛ کسانی که کپرنشین هستند. با این که او خود به‌عنوان عکاس از شرایط زندگی افرادی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند، تصویرسازی می‌کند اما معتقد است پای کمتر خبرنگاری به مناطق محروم باز شده و اتفاقا صدای محرومیت آنها به گوش کسی نرسیده‌است. او می‌گوید، مردمی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند، رسانه‌ای در اختیار ندارند تا صدای محرومیت خود را به گوش مردم و مسؤولان برسانند. من به عنوان عکاس چند عکس می‌اندازم ولی آیا آن عکس در دنیای پر از اطلاعات و خبر دیده می‌شود؟ اما همیشه استثناهایی هم وجود دارد؛ اتفاقی که در سیل سیستان و بلوچستان افتاد و بعد از سیل دوسال پیش بود که بسیاری از خیرین، مدیران دولتی و مردم، متوجه شدند شرایط زندگی در برخی نقاط استان پهناور است.

سیستان و بلوچستان زیر صفر است و آنها کمترین امکانات از جمله امکانات بهداشتی ندارند. میرحسینی البته بخشی از عدم اطلاع‌رسانی را متوجه افرادی که در مناطق محروم زندگی می‌کنند می‌داند و معتقد است آنها خود نمی‌دانند که می‌توانند از ابزار رسانه استفاده کنند و صدای خود را به مناطق مختلف برسانند؛ زمانی که رسانه‌ای وجود نداشته باشد عجیب نیست که مردم هم ندانند باید چطور از امکانات استفاده کنند. او خاطره عجیبی از یکی از مناطق محروم دارد، از جایی که مردی به همراه خانواده دام‌هایش در بیابان و در کپر زندگی می‌کردند. او می‌گوید گروه‌های جهادی یک خانه با امکانات اولیه بهداشتی برای این مرد ساختند و به او گفتند آنجا زندگی کند، حال این که این مرد حتی نمی‌دانست باید چطور از خانه جدیدش استفاده کند. نتیجه این کار جهادی این شده که مرد همراه خانواده‌اش در کپر زندگی می‌کرد و دامش را در خانه‌ای که ساخته شده بود، نگه می‌داشت. میرحسینی می‌گوید اگر رسانه در آن منطقه محروم حضور داشت، خیلی از مشکلات حل می‌شدند. از نظر میرحسینی اما سرمایه‌گذاران باید وارد عمل شوند، هر کدام یکی از مشکلات زیرساخت‌های

زندگی +

زهره عظیمی برای کار جهادی به مناطق مختلفی مانند سراوان، خاش، لشار، قصرقند، راسک و ساریوک سفر کرده‌است. او می‌گوید بسیاری از مردم، در مناطق محروم، زباله‌های خود را در دریاچه‌های آب شرب و مناطق شهری می‌اندازند و نمی‌دانند که باید زباله‌ها در محل مناسبی قرار گیرد. او می‌گوید: داشتن آب آشامیدنی و سطل زباله، جزو نیازهای اولیه زندگی بشر است اما موضوع این است ضرورت و نیاز در مناطق محروم برای برخی مردم احساس نمی‌شود و اتفاقاً مشکل هم از همین دانستنش به وجود می‌آید؛ از جایی که چون نیازی احساس نمی‌شود مطالبه‌ای هم برای رفع این نیاز به وجود نمی‌آید. او معتقد است اگر مردم نیازی را احساس کنند برای رفع نیازشان هم از مسؤولان مطالبه می‌کنند، اتفاقی که در مناطق محروم نمی‌افتد و خب مسؤولان زمانی که ناآگاهی مردم را می‌بینند، از آن سوءاستفاده می‌کنند.

ناآگاهی مزمن

ممنوعیت- ترکیه

سعیدی از تهران:

واقعا چرا مجوز سفرها و تورهایی گردشگری به کشور ترکیه لغو نمی‌شود؟ این در حالی است که سفر به عتبات عالیات تحت هر شرایطی ممنوع است. کاش یک نفر دلایل منطقی برای این نوع تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای ارائه می‌کرد.

سفر- نوروز

شاهانی از رشت:

تناقض میان حرف‌های مسؤولان درباره سفرهای نوروزی و از طرف دیگر، اخبار رفت و آمدهای جاده‌ای مردم و مسافران، واقعا ناراحت‌کننده بود. در حالی شهرها یکی یکی تغییر رنگ می‌دهند که پیش از تعطیلات هم مشخص بود اگر ممنوعیتی صورت نگیرد این اتفاق خواهد افتاد. این بی‌تدبیری واقعا جای تعجب دارد.

کنسرت- کیش

شهروندی از تهران:

آنقدر تبلیغات بزرگ‌زای کنسرت خواننده‌ها در جزیره کیش گسترده است که انگار هیچ کرویایی وجود ندارد و شرایط کاملا عادی است. سؤال من این است که مسؤولان واقعا نظارتی بر این برنامه‌ها ندارند؟ در چنین شرایطی، کنسرت ضروری محسوب می‌شود؟ پس لطفا آنقدر از مردم گلایه نکنید که مراقبت نمی‌کنید.

درمان- نوروزی

نظری از تهران:

رسیدگی به درمان بیماران در تعطیلات نوروز، تقریباً به حالت نیمه‌تعطیل درمی‌آید. آنقدر که برخی از درمانگاه‌ها، پروسه آزمایش گرفتن از بیماران را که حال نسبتاً مساعدی دارند، به بعد از تعطیلات موکول می‌کنند. بهتر نیست با افزایش تعداد کادر درمان، بخش درمانی جامعه در روزهای تعطیل هم به‌شدت و قوت خودش پابرجا باشد تا بتواند با حداکثر نیرو به بیماران رسیدگی کند؟

بلوار- اردیبهشت

علیزاده از تهران:

خروجی اتوبان همت به سمت بلوار اردیبهشت، فرورفتگی عمیق و بدقلقی دارد که با هر سرعتی از روی آن بگذریم، خودرو دچار تکان‌های شدیدی می‌شود. به نظر می‌رسد یک سرعتگیر معقول بهتر از چنین چیزی باشد. آن وقت هم سرعت کم می‌شود و هم سرنشینان خودرو اذیت نمی‌شوند.

واکسن- خصوصی

سلیمی از مشهد:

خبرهایی از واگذاری تامین واکسن به بخش خصوصی می‌رسد که روند کار برای مردم مبهم است؛ کاش مسؤولان به خوبی این موضوع را روشن کنند. در صورت چنین اتفاقی، قیمت واکسن برای مردم چقدر خواهد بود و دچار افزایش قیمت می‌شود؟ امیدواریم رسانه‌ها به خوبی این موضوع را برای عموم مردم روشن کنند.